

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۴ اکتوبر ۲۰۱۱

## باز هم به جیب شیخک های

## عرب پول باید ریخت

برای رهائی از خرافات و تعصبات کوناگون هیچ زمانی دیر نیست.

هنری تورد

طوری که هم وطنان گرانمایه ما خبر دارند چند روز بعد روزی است به نام عید قربان ... عید اعراب. و این روزی است که تجلیل از آن از ۱۴۰۰ سال به اینطرف به حیث یکی از اعیاد مسلمانها و رفتن حج از شروط اسلام و مسلمانی از طرف مغز های مبتکر و سود جوی عربی به هدایت مستقیم محمد و جا دادن (حج) در قرآن بر همه مسلمانان جهان و هموطنان ما تحمیل نا مرئی شده و هر فرد مسلمان خود را مجبور به تجلیل عید می داند و بر هر مسلمان رفتن در عربستان به نام حج و ریختن پول به جیب شیخک های عرب و خریداری محصولات غیر ضروری از آنها و همچنان به جا آوردن یک سلسله مراسم به اصطلاح مقدس برای بخشایش گناهانش یک بار در طول عمر فرض گردیده است تا دورا دور یک سنگ سیاه که در پرده گرفته شده است بگردند و بعد از دور زدن هفت بار و طی مراسم دیگر به خود تلقین بدارند که گناهان شان بخشیده شده است حال بد نخواهد بود ضمن این که تاریخچه کعبه را مطالعه نمایم ببینیم چه چیزی در آنجا است که باعث بخشش گناهان می شود؟؟

طوری که همه می دانند مکه یکی از شهر های بزرگ شبه جزیره عربستان بوده که مرکز تجارت بین شام در سوریه و یمن در جنوب و چند شهر دیگر ب حساب می رفت و کعبه هم در شهر مکه موقعیت دارد و مسلمانان از آن به مفهوم خانه خدا یاد می کنند. کعبه در مفهوم لغوی معنی زمین بلند را داشته و این کعبه یعنی خانه خدا قبل از بروز دینی به نام اسلام هم موجودیت داشته و پر بوده از بتانی که قبایل مختلف بادیه نشین و وحشی اعراب هر کدام بتی مخصوصی قبیله خود را در آنجا داشته است که جمعا در حدود تقریباً ۳۶۰ بت می شد. تاریخچه ایجاد خانه کعبه به درستی روشن نیست اما می توان گفت که محل مذکور چندین صد سال قبل از محمد

وجود داشته و به پیروی از افسانه های مذهبی تورات (سفر تکوین در عهد عتیق فصل های دهم و یازدهم آیه های ۲۵ تا ۲۷) ابراهیم را بنا کننده خانه کعبه می دانند در حالی که حقیقت وجود ابراهیم و همسران افسانه ئی او شکل خیالی را دارد. نویسندگان اسلامی که در آفرینش اندیشه های خرافی از نبوغ سرشاری بر خوردار اند نوشته اند که خانه کعبه ۲۰۰۰ سال قبل از آفرینش دنیا به وجود آمده است و نظر به احادیث اسلامی وقتی آدم و حوا از بهشت رانده شدند آدم روی کوهی در سراندیب یا (سیلان) و حوا در حواشی دریای سرخ در عربستان از آسمان فرود آمدند و بعد از ۲۰۰ سال جدائی و توبه نمودن الله اجازه داد که به یک دیگر بپیوندند. آدم خواست شبیه خیمه ای که در بهشت داشت و فرشته ها دور آن طواف می نمودند در زمین هم بسازد و از سنگ پنج کوه مشهور سینا، الجودی، هیره، اولیوت و لبان استفاده نموده و کعبه را ساخته است در حالی که ده هزار فرشته او را تماشا می نمودند. آدم این کعبه را قبله ای انجام عبادتش قرار داد و بعد از در گذشت آدم سالها بعد الله به ابراهیم فرمان داد که به مکه رفته و کعبه را بسازد.

هنکامیکه ابراهیم و اسماعیل مشغول ساختن خانه کعبه بود جبرئیل یکی از سنکهای قیمتی بهشت را که در هنگام خروج آدم و حوا از بهشت بر زمین افتاده و بعدا بر اثر طوفان نوح زیر لجن ها باقیمانده بود، بیرون کشیده و در اختیار ابراهیم گذاشت. تاریخ نویسان عرب می نویسند:

کعبه چندین بار ویران شده و بعد از صد ها سال دو باره آباد گردیده است. قصی بن کلاب نخستین بار تاقی بر کعبه ساخت و عمر بن ابولحی نخستین کسی بود که بت هویال را از شهر هیت مقدونیه به خانه کعبه آورد و بدین ترتیب رسم بت پرستی در عربستان رواج پیدا نمود و هر طایفه ای بت مورد نظر خود را در آن گذاشتند و بعد از آن، سالانه عده زیادی از مردم برای عبادت بت های خود به مکه و کعبه آمده و به عبادت بت های خود مشغول می شدند.

خانه کعبه در میان مسجدالحرام واقع بوده و از سنگ خارا (گرانیت) ساخته شده است بلندی آن ۱۶ متر درازای آن ۱۳ متر و عرض آن ۱۱ متر است که با طلای ناب که استعمال آن در اسلام ممنوع است، مزین گردیده است. خانه ای به همین سادگی که در بین آن یک سنگ سیاه قرار دارد و مسلمانان آن را خانه خدا می دانند پر عواید ترین مرجع در عربستان است. این خانه خدا قبلا هم یعنی پیش از اسلام موجود بوده و قصابات بادیه نشین عرب برای پرستش بت مورد نظر خود سالانه به کعبه برای مراسم حج می آمدند یعنی این که مسلمانها آنرا خانه خدا می دانند قبلا هم وجود داشته و مراسم حج در آنجا عملی می گردید.

بعضی از علمای اسلامی سعی براین دارند تا چنین مفکوره ای را به مردم تزریق نمایند که کعبه از زمان آدم (پیامبر بدون امت) وجود داشته و سنگی که امروز در درون تاقچه کعبه موجود است و به نام حجر الاسود یاد می شود ((توسط بابا آدم)) از بهشت آورده شده و درین محل گذاشته شده است و این سنگ در ابتداء رنگ سفید داشته و به اثر این که مسلمانان گناه زیاد می نمودند و می نمایند این سنگ به مرور زمان رنگ سیاه را به خود گرفته است اما این که چرا محوطه این سنگ سیاه در کعبه امروز به نام خانه خدا یاد می شود؟؟ اسناد تاریخی اسلامی در آن مورد موجود نیست؟

به عقیده مسلمانها خانه کعبه به امر خداوند توسط ابراهیم و فرزندش اسماعیل آباد شده و همچنان "حجرالاسود" در زاویه شرقی خانه کعبه توسط او گذاشته شد و درین باره آیات ۲۶ و ۲۷ سوره حج می گوید:

(و یاد آور ای رسول. که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام (خانه کعبه) مکان دادیم تا با من هیچ شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نماز گزاران و رکوع و سجود کنندگان پاک و پاکیزه نگهدار و

مردم را به انجام مناسک حج آشنا کن تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند.) در زمان اعراب دوره جاهلیت یعنی قبل از اسلام مراسم حج چنین بود:

پوشیدن احرام، تعظیم طواف گرداگرد خانه کعبه، لمس کردن و بوسیدن حجرالاسود، سعی بین مروه و صفا، تراشیدن موی سر، قربانی نمودن گوسفند، انجام مراسم حج در ماه ذیحجه دعا خواندن بعد از مراسم حج، سنگ اندازی به مناری سنگی به نام (شیطان) در وادی منامی رفتند

از مناسک حج اینست که حاجیان هفت بار فاصله بین مروه و صفا را طی کنند به خاطر این که هاجر کنیز سارا و خانم ابراهیم مادر اسماعیل به منظور یافتن آب هفت بار این فاصله را پیموده بود و ابراهیم این عمل را جزء مناسک حج قرار داد. ابراهیم سر سلسله اسرائیلی ها و مسلمانان می باشد و پیروان هر دو دین مذکور ابراهیم را پایه گذار دین خود می دانند. ابراهیم از سارا اسحق را پیدا نمود و اسرائیلی ها خود را منسوب به او می دانند و اسماعیل که از هاجر پیدا شده اعراب از آن نسل به وجود آمده اند.

عایدات کعبه و کلید داران آن از تاجران و زائران که هر ساله به نام حج در کعبه به خاطر عبادت بت های خود می آمدند، به دست می آمد و این عواید در سطحی بود که نظر به شرایط همان روزه مکه و مردمی که به مکه در رفت و آمد بودند همچنان توقف کاروانهای تجارتي یک عاید هنگفت و قابل توجهی بوده و مجریان برنامه های حج سرمایه های به دست می آوردند و کلید داران و رئیس کعبه عواید سر شاری ازین مدرک داشتند.

اما چنانچه همه می دانیم مسلمانها با بافتن چرندیاتی با سوء استفاده از بی توجهی پیروان خود آنقدر در همه موضوعات مبالغه می نمایند تا قدسیت هر چیزی را به شمول "سنگ سیاه" که هیچ نوع ثبوتی در مورد بهشتی بودن سنگ موجود نیست بر پیروان خود تحمیل بدارند و مسلمانها هم هر سال با مصارف گزاف که همه بر جیب عربها می ریزد به عربستان رفته و دورادور این سنگ به نام خانه خدا می چرخند و همچنان با پیروی از مقررات مقدس عربی در یک برج سنگی که اسمش را شیطان گذاشته اند سنگ می زنند و بعد هم آب چشمه ای را به نام زمزم که در قطی های نقره ای آماده شده است خریده و منحیث مقدس ترین چیز به اوطان شان تحفه می برند. البته تحایفی مثل خر ما، تسبیح، ساعت های قاب طلا، کلمات عربی نوشته شده در قاب ها، قالیچه های کلمه دار و ده ها قلم زیادی و غیر به درد بخور خریده و پول های شان را در جیب شیخک های عربی می ریزند.

هیچ کدام از تاجران دینی به وضاحت و با ارائه دلایل منطقی که برای انسانهای فهمیده، قابلیت پذیرش را داشته باشد در مورد مقدس بودن کعبه طرحی نداشته اند و نمی گویند. کعبه منبع پر در آمدی برای شیوخ عرب است که مصارف سالیانه شانرا در قمار خانه های موناکو، لاس وینگاس، لندن و خرچ های شب زنده داری آنها را در پاریس و بیروت و روم تکافو می نماید. نظر به احصائیه سال ۲۰۰۸ جمع پول مصرف شده زائران مسلمان در عربستان بیشتر از سی و هشت میلیارد دالر در سال است؟؟؟؟ و نمی توان این را پول کمی شمرد؟؟ و بدبختانه و متأسفانه یک مقدار این پول از کیسه هموطنان خوشباور و خوش قلب ما به خدمت شیوخ عربی احترامانه و مقدسانه بدون توجه بر اصل حج تقدیم می گردد؟؟؟ عربهای پیش از اسلام همه به اولاد های خود می گفتند که یک بار و یا چند بار سالانه برای پرستش بت های خود به کعبه بروند و مراسم را به جا آرند که همین اصول و مقررات اجتماعی اعراب بدوی را اسلام نیز رواج داد و کدام فرق بین دوره قبل از اسلام و دوره اسلامیت در مراسم حج دیده نمی شود.

امام (ابو حامد غزالی) که از فقهای مشهور و برجسته اسلام است فصلی از کتاب خود زیر عنوان احیا علوم دین را به آداب و مراسم حج تخصیص داده و پس از شرح یکایک مناسک حج در پایان نتیجه گرفته است که انجام

مراسم حج یک عمل جزمی و تعبدی است که او برای آنها هیچ دلیل و فرنود منطقی و عقلانی نیافته و این مراسم را تنها برای فرمانبرداری از دستورات (الله) انجام داده است (ابو حامد محمد الغزالی – احیاء علوم الدین - بیروت ۵۰۵ هجری قمری) با توجه به اینکه امام غزالی یکی از مشهور ترین و معتبر ترین دانشمندان اسلامی بوده و در زمان او (۵۰۵-۴۵۰ هجری قمری) بنیاد گزائی اسلامی در اوج خود بوده نوشته اش نشان می دهد که او نیز به انجام مناسک حج به عنوان پاره ای خرافات جزمی - پوچ و بیهوده نگاه می کرده ولی شرایط اجتماعی زمان به او اجازه نمی داده است که باور های خود را درین باره اشکارا بروز دهد.

اینکه یک تعداد از هموطنان خوشباورما به چنین جائی به امید پاک ساختن تن خود از گناهانی که قبلا انجام داده اند می روند بنده را عقیده بر این است که نه تنها از گناهان شان کاسته نخواهد شد بلکه گناه کبیره ای را نیز مرتکب می شوند. بدین معنی که در شرایط موجوده کشور ما در حالتی که اطفال و زنان بیوه و قربانی های جنگ های اسلامی، وجدان فروخته های خلقی و پرچمی و هم چنان قربانیان جنایات وحشیان غربی و جانوران طالب به لقمه نانی محتاج هستند. این بی نوایان و مظلومان تاریخ پولی برای تداوی مریضان خود ندارند. سر پناهی برای گذران شباروزی برای شان موجود نیست، در شرایطی که لقمه نان سوخته و کچالوی گندیده اگر برای شان پیدا شود حیثیت تحفه خداوندی را دارد، سرمای کشنده ای که در راه است ، امید به کاریابی نیست، نان خشک روپائی شده نا پیدا؛ در چنین شرایطی هموطن دیگر ما یک مقدار پول خود را در جیب شیخک های عرب برای اتمام عیاشی های شان مریزد فکر می کنم گناهی است بس بزرگ و نا بخشودنی؟؟ چون با آن پولی که می خواهند در عربستان مصرف نمایند حد اقل می توانند سی فامیل ۵ نفری را برای مدتی اضافه تر از یک ماه غذا بدهند و شکم های گرسنگان و ستم زدگان استعمار را که مثل فرزندان من و تو آرزو هائی دارند و شاید هم یکی از بزرگترین آرزوهای شان یک شبی با شکم سیر خوابیدن باشد از این بد بختی ولو این که موقتی باشد، نجات دهند. نمی دانم به نظر اینان کدام یک ضروری تر و عاجل تر بوده و سبب بخشایش گناهان قومی که به حج می روند می باشد؟؟

لطفا قبل از رفتن نزد شیخک های عرب به این چند عکس نگاه انسانی نمائید!!! و فکر کنید او فرزند شما است!!!



مآخذ : مشکات المصابیح: کتاب یازدهم فصل چهارم قسمت دوم  
خلیل البحر – تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ج اول ترجمه عبدالمحمد آیتی – ص ۱۸۷  
علی دشتی – بیست و سه سال ص ۱۵۸  
گوستاولوبون – تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر داعی ص ۴۱ و ۴۲  
قرآن  
کتاب مقدس – عصر عتیق